

پلخمون

قیمت: قبلاً حساب شده:

پزشکیان:

من در خانه از لباس گرم
استفاده می‌کنم. دیگران هم
می‌توانند این کار را انجام دهند



با حفظ سمت: سخنگوی دولت



فراخیرتون بده آقای دکتر،
این نخه‌تون هم از زونه
هم خوب گرم می‌کنه!



کارتون: محمدعلی رجبی

۱۲۰

کلیک / صفحه ۸

سرکار گذاشتن
فارغ التحصیلان

گیر کن / صفحه ۴

افزایش قیمت خودرو
بی حکمت نیست

سر کن / صفحه ۲

مجموعه آبی
موج‌های بی اعصاب!

شب گرانی

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یا رب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است؟
تا به گیسوی تو دست ناسزایان کم رسد
هر دلی از حلقه‌ای در ذکر یارب یارب است
شهسوار من که مه آیینه دار روی اوست
تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است

حضرت حافظ در بیت اول اشاره دارند به شبی که خبر گرانی خودروهای ایران خودرو و سایپا قطعی شد! و می‌گویند خدایا، این دولت هم که تصمیمات و تأثیراتش مثل قبلی هاست که!

در مصرع اول بیت دوم گویا دولت جواب جناب حافظ و مردم را داده و گفته است ما به این دلیل خودروها را گران کردیم که هر کسی دستش به این محصولات گران بهای داخلی نرسد؛ مخصوصاً آن‌هایی که فحش می‌دهند و ناسزا می‌گویند بهشان!

در مصرع بعد هم دولت خطاب به حافظ و دیگر خریداران می‌گوید حالا هی بروید بشینید خدا خدا کنید که خودرو ارزان شود!

در بیت پایانی دولت با گستاخی آب پاکی را روی دست همه می‌ریزد و می‌فرماید همه در جریان باشید که سلامتی و امنیت و جان شهسوارها یعنی همان راننده‌ها و صاحبان خودروهای داخلی فدای خاک نعل (لاستیک) خودروهای داخلی!



در حاشیه جان با ختن سه نفر از کارکنان هیوندای در آزمایش خودرو

خودروسازان برتر جهان

ضمن عرض تسلیت خدمت خانواده محترم هیوندای، ما رادر غم خود به خاطر فوت کارکنانتان هنگام تست ماشین شریک بدانید.

تست ماشین چیه دیگه؟

دیوونه، همون که وقتی تولید کردی استارت می‌زنی ببینی ماشین روشن می‌شه رومی‌کن دیگه.

آها، یک لحظه تعجب کردم که تست ماشین چیه.

آقا واقعا شما تست ماشین انجام نمی‌دین؟

نه، مگه دیوانه ایم کاری کنیم کارمندمون کشته بشن؟ توی جاده تستش رو پس می‌ده دیگه.

این جوری نگین تورو خدا که ماشین ما باعث مرگ شده. دیگه از مون ماشین نمی‌خرن.

جسارتا این دوتا خودرو ساز رو که تست ماشین نمی‌دونن چیه، کی راه داده توی گروه خودروسازان برتر جهان؟

هه، بدبخت، شما چه جوری خودروها تون رومی فروشین؟

مثل بقیه دیگه، شرایط اقساطی گذاشتیم پنج ساله، بدون پیش پرداخت. متأسفانه دست زیاد شده، هنوز ۵۰ درصد ماشینامون مونده.

بدبخت، ما ماشینامون رو تا یک سال دیگه فروختیم، تازه پولش رو هم جلو جلو گرفتیم، حالا خودروساز برتر کیه؟! ناموسا؟! مگه چه آپشنی داره ماشیناتون؟ ما ایمن ترین خودرو جهان رو ساختیم، باز هم از مون نمی‌خرن.

هیچی، فقط شیشه هاش برقی می‌ره بالا.

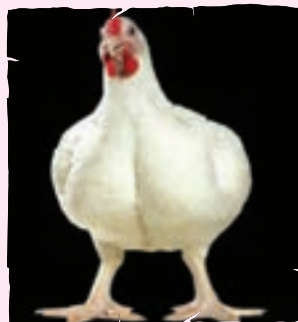
داداش این جوری نگو، ما محصولاتمون آپشن داره دیگه. موقع تصادف رادار گریز می‌شه و کلاز صحنه پاک می‌شه.

کل خودروسازان leftthegroup

صفحه ۲
۳ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۰

کلینیک ترک گرانی، خواسته هر ایرانی!

راکلینیک ترک گرانی نمی‌فرستند تا آنجا یاد بگیرند به جای اینکه تخم گران قیمت بگذارند، بزنند توی کار گذاشتن تخم مرغ ارزان قیمت؟



نصرالدین ترین ملای هفته: یکی از ملامهای طالبان که ریاست تبلیغ و پیشگیری از منکرها را بر عهده دارد، گفت کتاب‌هایی را که عکس موجودات زنده (حیوانات و انسان‌ها) دارند، ممنوع می‌کنیم. این درحالی است که یک ماه پیش مقامات طالبان برای میزبانی جام جهانی اعلام آمادگی کرده بودند. فقط مسئله اینجاست که اگر جام جهانی در افغانستان برگزار شود، گرفتن هر عکس و فیلمی از آن برای ثبت در تاریخ ممنوع است و انگار این جام پیش از اختراع دوربین عکاسی توسط جوزف نیپس برگزار شده است.

متعجب ترین مسئول هفته:

شیرین ترین دروازه بان هفته: بیرانوند پس از اینکه کیک تولد قلعه نویی را خورد، خود شیرینی کرد و گفت: مثل خود قلعه نویی شیرین است. اواخر مهر هم بیرانوند گفته بود من رشوه ندادم، شیرینی دادم. خلاصه این‌ها نشان می‌دهد که اگر بیرانوند نباشد، قند فوتبال ما حسابی پایین می‌افتد.

مدیرعامل اتحادیه مرکزی مرغ‌داران مرغ تخم‌گذار گفت: خبر افزایش ۳۰ هزار تومانی تخم مرغ را ما هم شنیدیم و تعجب کردیم. ما هم از اینکه یک مسئول مرتبط با تخم مرغ، آن قدر درگیر مسئولیتش بوده که نفهمیده تخم مرغ گران شده است، تعجب کردیم. البته بیشتر از این تعجب کردیم که چرا مرغ‌های تخمی

پزشکیان: کمبود برق و گاز را صادر قانه بامردم در میان بگذارید

نیاور بیخودی عذر و بهانه
بگو بامردم این را صادر قانه
بگو کمبود برق و نفت و گاز است
بگو خالی شده دیگر خزانه



مسکن مهر را بدون آب، برق و فاضلاب افتتاح کردند

اینکه این طوری نمایید افتتاح بی‌گمان می‌باشد از روی مزاح خانه بی‌آب و برق و فاضلاب افتتاح هست عین افتضاح!



خودروسازان مجوز افزایش نرخ گرفتند

تکنولوژی از عهد دقبانوس دارد فکر خریدش بعدها افسوس دارد کیفیت خودرو چرا با قیمت آن در کشور ما نسبت معکوس دارد؟



گاز خانگی گران‌شد

هرچند گرفته، باز می‌گیرد از بهر اجاق گاز می‌گیرد با تعرفه جدید، قبض گاز از جیب من و تو گاز می‌گیرد!



افزایش قیمت خودرویی حکمت نیست

انجمن خودروسازان در نامه ای به معاون اول رئیس جمهور، درخواست گران کردن قیمت خودروها را کرده و گفته بود هجده ماه است که ایران خودرو و سایپا منتظر افزایش قیمت هستند و اگر قیمت برخی محصولات را ۷۰ تا ۸۰ درصد افزایش دهیم، تازه به قیمت تمام شده می‌رسیم. چند روز بعد به صورت شبانه قیمت خودروها حدود سی و چند درصد اضافه شد. یاد همان جریان «به مرگ می‌گیرند تا به تب راضی شویم» افتادیم. ضمن آنکه چه اصراری است وقتی کارخانه ای زیان ده است و محصولات غیراستاندارد و ناایمن تولید می‌کند، اصلاً کار کند؟ حالا این ها بحث هایی است که به ما مربوط نیست. در همین راستا به طور اتفاقی فایلی به دستمان رسید که مدیر یک خودرو سازی خاطرات روزانه اش را در آن ثبت کرده است. بخشی از آن را برای اولین بار منتشر می‌کنیم.

شنبه: چه کسی رلش می‌آید؟

واقعاً شورش را در آورده اند. هجده ماه است که ما را یک لنگ پا نگه داشته اند تا اجازه دهند قیمت ها را اضافه کنیم. با خودشان فکر نمی‌کنند حقوق این چنده هزار نفر کارمند و کارگر را از کجا باید جور کنیم؟ حالا ما مدیران هیچ، اصلاً تا تأخیر حقوق می‌گیریم. ولی بقیه چه گناهی کرده اند؟ آن ۴۰ میلیون سهام دار چه؟ ما با چه رویی توی صورت آن ها نگاه کنیم. وقتی کوییک را می‌دهیم ۳۵۰ میلیون ناقابل؟ با اسم به این قشنگی.

یکشنبه: چه کسی ضرر می‌کند؟

به رئیس انجمن گفتیم که به معاون اول دولت نامه بزنند و بی رودربایستی بگویند با این قیمت نمی‌صرفد. مسخره بازی که نیست، کاسی راه ورسم دارد. ناسلامتی داریم خودرو تولید می‌کنیم، شلغم که نمی‌فروشیم. اگر اجازه ندهند محصولاتمان را گران کنیم، دیگر چیزی تولید نمی‌کنیم. کی ضرر می‌کند، ما یا خودشان؟ بعد ببینند مردم چطوری صدایشان درمی‌آید و شاکی می‌شوند که دیگر نمی‌توانند در قرعه‌کشی پیش فروش محصولات ما شرکت کنند.

روشنه: چه کسی حقوق می‌گیرد ولی کار نمی‌کند؟

بالاخره مجوز افزایش قیمت صادر شد. هر چند با نصف آن مقداری که ما درخواست داده بودیم موافقت کردند، ولی در این بازار خراب همین هم غنیمت است. فعلاً یکی دو ماهی می‌توانیم حقوق عزیزانمان را بدهیم. واقعاً این بزرگوارانی که منت بر سر ما گذاشته و کارخانه ما را برای کار کردن یا حتی کار نکردن انتخاب کرده اند، با این چیزها نمی‌توانیم از خجالتشان در بیاییم.

سه‌شنبه: چه کسی نشر اکاذیب می‌کند؟

رسانه ها همه بزرگی علیه ما راه انداختند، از بس می‌گویند شما پول مفت می‌گیرید و ماشین غیراستاندارد تحویل مردم می‌دهید. هر چند رسانه ها کارشان همین غرزدن و دمیدن در آتش شایعات و نشر اکاذیب است، ولی برای آنکه حسن نیت خود را نشان بدهیم و اثبات کنیم که هیچ گرانی ای بی حکمت نیست، به زودی چند مورد تغییرات در محصولاتمان را اعلام خواهیم کرد.

چهارشنبه: چه کسی رار ملامت می‌کند؟

در جلسه امروز مصوب شد برای رفاه حال بیشتر خریداران محترم، تغییرات عمده ای در کیفیت و استاندارد محصولاتمان بدهیم. البته استاندارد محصولات ما که حرف ندارد، ولی باز هم برای اینکه مردم عزیز فکر نکنند ما الکی گران کرده ایم، تصویب شد دستگیره های کوییک طوری ساخته شوند که همان دفعه اول نشکند و دست کم یک ماه بازو بسته شوند. بعد هم قرار شد از سری بعد تارا، سپرها را با یک پیچ و پرچ اضافه تر به بدنه وصل کنند تا لق نزنند. امیدواریم که مردم قدر ما و خدمات و محصولاتمان را بدانند.



کارتون: محمدعلی رحیمی

صفحه ۴
۳ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۰

جدایی کوله از دختر

★ گفתי ماجرای پارگی ت دقیقاً چی بود؟
★ آخ... امان از صاحب ناباب، جونم برات بگه خواهر که یه روز این دختره هرچی توی اتاقش داشت رو برداشت و چپوند داخل ما. من فکر کردم حالا که این قدر سنگین شدم، دست کم به ستون فقرات خودم رحم می‌کنه و با تاکسی اینترنتی می‌ریم، ولی باز هم رفت سمت مترو.
به خدا خواهر، این مدت هرکاری کرده

تحمل کردم، آب داخلم چیه کرده، کپک روی ساندویچی که اعماق من دفن شده بود پرورش داده، هزار تا وسیله تیز و خطرناک داخلم گذاشته ولی دم نزدم، اما آخه دیگه صبر من هم حدی داره... توی اوج شلوغی من رو می‌اندازی روی کولت و فکرش رو نمی‌کنی به چرخ بونی پشت سری ها له می‌شن؟ چرا من رو بغل نمی‌کنی؟ حیف صورت صاف و نچرال من نیست که همه

وجودم به خاطر برخورد با انگشت و گوشه ناخن مردم خش بیفته؟ باور نمی‌کنی، ولی روزی هزارتا فحش از عالم و آدم می‌خورم. نگاه های سنگین و توهین هایی رو از غریبه ها تحمل کردم که هزار جلسه تراپی هم نمی‌تونه تروماهام رو درمان کنه. اصلاً چرا من باید توی وضعیتی قرار بگیرم که با نقاط عرق خیز مردم ارتباط چشمی ولسمی داشته باشم؟

فرهنگ شهروندی
مانده چنارانی



یک فیلم نامه یاستوریزه

برای یک سریال الف و یرزه



باتوجه به خشونت موجود در سریال های اخیر شبکه نمایش خانگی (زخم کاری، بازنده، گردن زنی، داریوش و...)، به این فکر افتادیم که شاید هدف فیلم سازان از گنجاندن این صحنه های پراز خشونت کلامی و خون و قتل و جنازه، بدون هشدار قبلی و محدودیت سنی، درآمدزایی بیشتر باشد. بعد به این نتیجه رسیدیم که امکان ندارد کسی بخواهد این طوری پول در بیاورد. اصلاً این پول ها خوردن ندارد. بعد فکر کردیم شاید می خواهند خشونت را عادی سازی کنند. ولی باز گفتیم این هم نمی شود. الان خشونت که عادی هست. از این عادی تر که توی بزرگراه با قلمه به جان ماشین می افتند تا گردن بندراننده را بگیرند یا با اسلحه به خانه مردم حمله می کنند تا گوشه بدزدند؟ در نتیجه تصمیم گرفتیم خودمان یک فیلم نامه یاستوریزه و آموزنده بنویسیم تا اگر کارگردانی پرسید «خب پس چی بسازیم؟» بگوییم این را بساز.

فیلم نامه ت رو درست کردی؟ خوب خون و خون ریزی داره؟

بله! همون جوری که خواستین. نوش اول همدیگه رو ریز ریز. بعدم فشنک چرخ می کنن!

روز داخلی آپارتمان

مرد جلو تلویزیون روی مبل دراز کشیده وزن مشغول پوست کندن میوه است. چندین بچه در سن و سازه های مختلف در خانه پخش هستند (هرچه بچه بیشتر، بودجه تهیه کننده بیشتر). همه چیز در حالت بوجی بوجی است. زن قربان صدقه شوهرش می شود. بچه ها با شادی در حال درس خواندن یا بازی کردن هستند. تلویزیون هم سریالی با بازی مهران رجبی را نمایش می دهد و همه در حال غش و ضعف کردن از خنده هستند. از چشم های اعضای خانواده اکلیل می بارد. بس که حس رمانتیک خانه بالاست. ناگهان صدای آخی شنیده می شود. دوربین روی دماغ مهران رجبی فیکس می شود.

همان لوکیشن، آتشپزخانه

دوربین روی خونی که روی فرش جمع شده ثابت است. دوربین بالا می رود. یک انگشت بریده از پوست دست آویزان است. می فهمیم مادر خانواده هنگام پوست کندن سیب و محبت به همسرش، حواسش پرت شده و انگشتش را بریده است. (دوربین باید طوری از دماغ مهران رجبی به خون روی فرش حرکت کند که بیننده فکر کند مادر به خاطر محوشدن روی آقای رجبی، از خود بیخود شده و دستش را بریده است.) پدر روی مبل به سمت مادر سینه خیز می رود. اول

همان لوکیشن، مردم و روی آپارتمان

همه اعضای خانواده خودشان را جمع و جور می کنند و دم در به استقبال پدر بزرگ و مادر بزرگ می روند، حتی همانی که مخچه اش به جالباسی گیر کرده است. آن ها هم بادستانی پرازگوشت و مرغ و میوه و کیسه برنج و روغن مایع و تون ماهی و چیپس و پفک و بستنی چوبی وارد خانه می شوند. زن که انگشتش را با چسب بسته کیسه ها را از آن دومی گیر دومی گوید: «وای چرا زحمت کشیدین؟ بفرمایین تو تا براتون چای بریزم.»

همان لوکیشن، آتشپزخانه

زن می رود زیر اجاق را روشن کند. ولی چون قبلا یکی از بچه های بازیگوش شیر گاز را باز گذاشته بوده است. تا کبریت می زند. همه خانه روی هوا می رود.

همان لوکیشن، وسط ها

همه افراد در حالی که آتش گرفته اند و پوستشان ورامده و مویشان کز خورده است، رو به دوربین می خندند و شاد زندگی می کنند. کات، پایان.

یک تکه سیب برمی دارد و با عشق و علاقه در دهان مادر می گذارد. مادر که یک چشمش اشک است و یک دستش خون، بایک چشم لیخند سیب را می خورد. پدر با لحن پدران: «قربون بچه های گلم بشم، بی زحمت یکی تون که سرش خلوت و دستش بند نیست، یه چسب زخم بپاره...» دختر بزرگ خانواده که قرار است برایش خواستگار موجه و سر به زیری بیاید، می دود که از توی آشپزخانه چسب زخم بیاورد. ولی پایش به یکی از بچه ها گیر می کند و در حال افتادن، دستگیره در درون حدقه چشمش می رود. ولی برای آنکه بقیه را ناراحت نکند، چیزی نمی گوید.

همان لوکیشن، اتاق ریگ

چندتا از بچه ها مشغول گرگم به هوا هستند که یکی، دیگری را هل می دهد. بچه عقب عقب می رود و سرش به جالباسی می خورد؛ طوری که میله جالباسی از درون حلقش بیرون می آید. صدای زنگ در را می شنویم.



گرونی رو تو باید این جوری داغون کنی آخه؟ بعد تو می گی من با این آدم باید ادامه بدم؟ دیگه به زیم رسید. من دیگه یه لحظه هم توی این رابطه که امنیت جانی ندارم، نمی مونم. ★ چی می کشی تو خواه... ببینم، اون صاحب نیست که داره می آد سمت؟ ★ ای وای، من کارتش هم که دستشه... دوباره برخورد با مسافران مترو؟

دربغ از یه ذره درک... عه عه عه. دیروز ایستگاه پارک ملت سوار شده و با فکر اینکه تا ایستگاه شریعتی دو قدم راه و حوصله نداره به خاطر این دو قدم بره عقب مترو، از جلو در تگون نخورده. هیچی دیگه، در بسته شد و من موندم لای در. این یکی درزم رو می بینی؟ این همون جا باز شد و بند راستم به این روز افتاد. اصلاً مردم و آسایششون به جهنم، من به این

پزشکیان:

کمبود برق و گاز را صادقانه با مردم در میان بگذارید

آب، بنزین، ارز، منابع یارانه، حقوق بازنشستگان، شرفسک، اینترنت، داروهای حیاتی و دروازه بان فوب

وزیر کار:

سال‌هاست دنبال جراح
برای اقتصاد ایران
هستیم اما

هیچ دستش

لاکسی پیدا نمی‌شود

سخنگوی دولت:

دولت از صنایع

بازدن کف مرتب به صورت

دوستی حمایت

می‌کند

عارف:

راهبرد دولت این است که خودش اصل
دنبال نخود سیاه نرود بلکه فقط مردم را دنبال آن بفرستد

بیرانونه:

میلیاردها حقوق می‌گیرم، اما ۴ میلیارد جریمه شدم
سیرینی دارم

مدیرعامل اتحادیه مرکزی مرغ داران مرغ تخم‌گذار:

خبر افزایش ۳۰ هزار تومانی تخم مرغ را ما هم
شنیدیم و تعجب کردیم تا دیر لران فروشی نلنند
مرغ‌ها را تنبیه

خودروسازها

شبانه قیمت‌ها
دست‌ها

را به سوی خدا

بالا بردند

و بابت محصولات

بی‌نیفتستان طلب

بخشش کردند

تست تصویری

محمد جواد قاضی‌خواه

سخنگوی دولت: خودرو کارکرده سوار شدن در شأن ملت نیست.

با توجه به نظر ایشان، شما کدام تصویر را در شأن مردم می‌دانید؟



۲



۱



۴

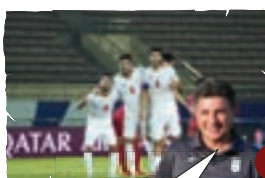


۳

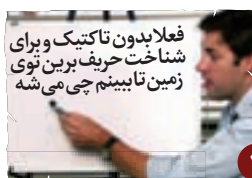
پیرک

آرش آریایی

در حاشیه نمایش دو نیمه متفاوت در بازی‌های اخیر تیم ملی

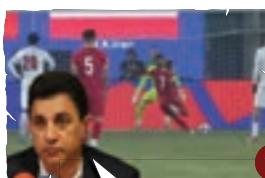


۲

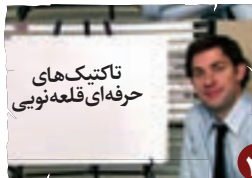


۱

جووون! بدون تاکتیک سه تاسه تا داریم می‌زنیم! بذار به کم
تاکتیک بگم بهشون، غوغا کنن.



۴



۳

داریم دوتا دوتا می‌خوریم. خدا کنه داور زودتر سوت پایان رو بزنه!

نیمه اول

نیمه دوم

صفحه ۶
۳ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۰

ناسوس

فرشته شایان

بابا این غربیا کینه‌ای هستن. هنوز از
زمستان سخت اروپا دلشون با ما صاف
نشده. بعد هم بهتر که دیپورت کردن،
شب چله‌ای همون رو می‌آریم سر
سفره‌ها تون و به چیزی هم می‌کشیم روش.
چون بالاخره این پسته‌ها فرنگ رفته‌ان.
ملت شریف ایران درحالی‌که برق قطعه،
پکیج‌ها خاموش شده و اتفاقاً آب هم
ندارن، چون به پمپ‌وصله لباس گرم‌اشون
رو می‌پوشن، تازه مازوت خالص هم
می‌کشن بالا! سم و این قرتی بازی مال
همون قوفولای سرخ و سفید اداییه.



آقای رئیس

گفتی سم چی چی توستین؟
اُ کسی تو سین؟ اینکه
همون هورمون عشق و
محبتیه. بفرما! گرفتی چی
شد؟ کشاورزا خواستن با
آلوده کردن پسته‌ها به این
هورمون، اروپا رو طلسم
عشق و محبت کنن، چشم
معلقشون کور شه، چلغوز
ملغوزا و کمبوزه ممبوزه
هامونم ردکنن قاطیش بره.



کارشناس
خانواده

بابرگشت خوردن محصولات صادراتی از
اتحادیه اروپا، اشک پسته خندان درآمد. علت:
آلودگی به سم آفلاتوکسین! (فرهیختگان)

پوستام! این قدر خندیدم از پهنای جر خوردم
مغز شدم خداشاهده! همچنین می‌گن آلودگی
به سم فلان انگار سیانور مالیدیم به خودمون.
آفلاتوکسین کدومه؟ مثل آدم بگو کپک زدین.
کپک ندیده‌ها! بعد هم به جوری این اروپایا
می‌گن آلودگی، یکی ندونه، فکر می‌کنه اون‌کی که
توالت می‌ره نشسته می‌آد بیرون منم! والا!



پسته خندان



صفحه ۷
۳ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۲۰

محو زیبایی توام!



بشه. همه بیشتر می‌رن سفر و تفریح.
● البته قبلا هم زیاد می‌رفتن. ولی
خب این جوری می‌تونن بیشتر خرید
کنن.
● دیگه چقدر بیشتر بخرن؟ بابا
خونه هاشون جا نداره.
● خونه هاشون؟
● آره. هرکدوم چندتا خونه دارن. یکی
برای زمستون، یکی برای تابستون.
یکی دو تا هم برای بچه هاشون.
● بابا این همه بچه ای که می‌آرن.
می‌تونن برای همه شون خونه
و جهیزیه جور کنن؟
● آره بابا. پیش خرید می‌کنن
و جهیزیه رو هم می‌دارن توی انباری
گوشه حیاطشون. خونه بزرگ به درد
همین چیزای می‌خوره دیگه!
● پس بیا ما هم بچه دار بشیم؟
● نگووو... خجالت می‌کشم!
● نگاه کن زندگی آدمای بچه و این
همه امکانات چقدر شیرینه!
● خب باید چی کار کنیم؟
● اول باید خوب حشره بخوریم!
● توی این شهر تمیز زباله می‌بینی
که حشره پیدا کنی؟
● پس بیا بریم به جای دیگه.
● آره. بهتره بریم روی یه سیم برق
دیگه. چون به نظرم چند دقیقه دیگه
نوبت قطعی برق این محله تموم
می‌شه و من درحالی‌که محو زیبایی
توام، خشکم می‌زنه!

● عزیزم چقدر بهت می‌آد. این پالتو
رواز کجا خریدی؟
● ممنون عشقم. رفتم از همون
جایی خریدم که تو خریدی تا با
همدیگه ست کنیم! نیست همه ش
باهمیم.
● توی پرواز یاروی این سیم برق بهو
چشمون زنن یه وقت!
● خب تقصیر ما چیه که خوشگلیم؟
● درسته ما خوشگلیم. ولی نباید
به روی این آدمای زشت بیاریم!
ناراحت می‌شن.
● خب مشکلشون فقط زشتی
نیست. هم زشتن. هم مثل آدم راه
نمی‌رن!
● همین رو بگو. چسبیدن به زمین
و برعکس قدم می‌زنن! سخت
نیست؟
● ولی خوبی ش اینه که با اینکه
سخت راه می‌رن. ولی باهم خوب راه
می‌آن.
● آره. خیلی باهم مهربونن. فقط من
نمی‌دونم چه جوری همه ش توی
تاریکی زندگی می‌کنن؟
● این جوری نیست. بعضیاشون توی
تاریکی بهتر زندگی می‌کنن! توی تاریکی
روی هر صندلی که بخوان می‌شینن!
یا مربی و بازیکن و پول چای و...
می‌تونن جابه جا کنن!
● خب بقیه شون هم توی تاریکی
مسافر جابه جا می‌کنن! صبح تاشب،
شب تاصبح.
● بابا این قیمت خودرو می‌صرفه
باز هم مسافر جابه جا کنن؟
● مگه خبر نداری؟ خودرو حدود
۳۰ درصد ارزون شد!
● عه... چه خوب! خودرو که ارزون

ایجو، مگفتن

فاطمه یوجار - محمدجواد کیش بافان

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست:

قرار نبوده است با قطع مازوت سوزی، آلودگی هوا در تهران برطرف شود.

(رکنا)



مسعود پزشکیان:
حالا که همه چیز
راصادقانه می‌گوییم،
قرار نبود با وجود
کاندید شدن
درانتخابات، من
رئیس جمهور شوم.



هاک ایرانی:
قرار نبوده است
با ورزش کسی
قهرمان شود.
فقط فتوشاپ
جواب است.



مدیرعامل باشگاه
پرسپولیس:
قرار نبوده است
با دادن شیرینی
قرارداد بپرانوند
تمدید شود. آخر
آدم عاقل بایک
جعبل شیرینی
قرارداد تمدید
می‌کند؟



وزیر نیرو:
قرار نبوده است
با شروع زمستان
قطعی برق نداشته
باشیم. تاوقتی برق
هست، قطعی برق
هم هست.



خودروساز:
قرار نبوده است
با افزایش قیمت
محصولات، کیفیت
آن‌ها بهتر شود.
توقع بی‌جا مانع
کسب است.



به مناسبت هفته کتاب و کتاب خوانی

چیز!

گشته یک سوء تفاهم حضرت عالی جناب! بنده هرگز نیستم معتاد و مخمور و خراب گرچه می بینید دائم دست بنده، چیز را صبح ها و ظهرها و عصرها و وقت خواب! هست اما بین این و آنچه در ذهن شماست فاصله از کوهسنگی تا به میدان سراب! اصلا این یک چیز فرهنگی است، این آن چیز نیست بنده هستم در حقیقت سخت معتاد کتاب! مصرفم چندی ست از حد هم فراتر رفته است می کشم حتی خودم از این چنین وضعی عذاب! داخل حمام هم همواره همراه من است یا که آن جای دگر، البته بر روتان گلاب! من نمی دانم چه کس اصلا به من تهمت زده ست گرچه حدسم می رود بر همسرم، بانو رباب! او که بگرفته مچم را چندباری در اتاق او که دیده بنده را با چیز! حین ارتکاب او که محکم با همین چیزی که گفتم بر سرم بارها کوبیده و گفته به من با آب و تاب: تا به کی آخر به دست بینوایان هوگو؟ فکر نکن کن بینوایان! خریزه می باشد آب در اطاعت جای عکس بچه دردانه ات هست عکسی از «هری پاتر» چرا در بین قاب؟ داخل بوفه به جای چینی و ظرف بلور تا به کی باشد «گلستان» و «صدای پای آب»؟! چشم من روشن، سرم حالا هوو می آوری؟ این «دزیره» کیست، هان؟ باید دهی فوری جواب حیف از عمری که طی شد باتو در این زندگی ای دریا سوخت در پای تو ایام شباب بعد از این یا ترک خواهی کرد هرچه خواندنی ست یا که ترک می کنم؛ فوری بکن یک انتخاب بهترین راه است این: یک وقتی که خوابیدی عمیق دست و پایت را ببندم سخت با چندین طناب! تا کنی ترک کتاب آخر، سپس ترک موتور ترکتازی ها کنی در کسب یک ترکی کباب

~~~~~

او نمی داند اگر صد بار هم کمیم برد هرگز از خواندن نخواهم کرد یک دم اجتناب!

## سرکار گذاشتن فارغ التحصیلان

معاون وزیر آموزش و پرورش گفته است: «۵۰ درصد بیکاران جامعه فارغ التحصیل دانشگاهی هستند.» ما هم که کلاس دستان به کار خیر است، باز دارد قلقلکمان می شود که راهکارهای پلخمونی در این زمینه بدیم و چراغی باشیم سر راه کاهش آمار فارغ التحصیلان بیکار!



مهارت های شغلی آن ها را افزایش دهیم

وقتی درست نتونی مدرکت رو بذاری لب کوزه معلومه بعدکار گیرت نمی آد.



تا زمان پیدا شدن شغل دائم، سراغ مشاغل موقت برویم



نمود شغل متناسب با تحصیلات، اغلب سطح دیگر مشاغل رو هم بالامی برد



و در نهایت به آمارهای مسئولان در ایجاد شغل باور داشته باشیم



مشکلات مسئولان برای ایجاد شغل را هم درک کنیم



## شوخی

الله آرایان

الهی!  
در این ظلمات و خاموشی های منظم، نکند تو هم نور مهربانی و لطف خود را به روی ما سهمیه بندی کنی و در تاریکی دنیا به حال خودمان رها کنی.

**پلخمون**

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا  
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
مدیر مسئول: سید مجتهد موسوی مهر  
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی  
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتمی  
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد  
صفحه آرایی: سید هاشم دقیق

پیکانک: ۰۷۲۸۱۹۰۰۰  
shahraraneews.ir

